

# خلاقیت در خلأ متولد نمی‌شود

خلاقیت، قابلیت و توانایی بسیار مهمی در وجود آدمی است که نقش آن را در پیشبرد اهداف انسان در ابعاد گوناگون زندگی نمی‌توان نادیده گرفت.

خلاقیت با آفرینندگی غیرممکن را ممکن ساختن، خلاف عادت عمل نمودن، و فراتر از چارچوب‌ها گذر کردن است!

خلاقیت را می‌توان در نگاهی نو، تفکری نو و شیوه‌ای متفاوت جست‌وجو کرد. تعابیر و تعاریف زیادی برای خلاقیت وجود دارد که در مضمون همه آن‌ها یک واژه نهفته و آن، نو و متفاوت بودن است.

**خلاقیت در همگان نهاده شده اما نیازمند پرورش است تا به شکوفایی برسد. به گفته اندرسون، در کودکان خلاقیت همگانی است؛ در حالی که در بین بزرگسالان تقریباً وجود ندارد. یعنی، چه بر سر این توانایی عظیم و همگانی بشر آمده است؟**

بهترین زمان پرورش خلاقیت سه تا دوازده سالگی است و دوران پیش از دبستان می‌تواند یکی از خلاق‌ترین دوران زندگی کودک باشد. خلاقیت را می‌توان در کودک شکوفا نمود؛ مشروط بر اینکه محیط پیرامونش غنی و مربی او آفریننده باشد. **طبیعتاً با وجود کودک پرشور، مربی خلاق و محیط غنی، خلاقیت اوج می‌گیرد.**

کودکان متفاوت‌اند و هر کودکی موجودی منحصر به فرد است که ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارد. در واقع، منشأ خلاقیت هم همین تفاوت‌ها و تمایزات بین افراد است. اگر این تفاوت‌ها در کودکان درک شود، خلاقیت آن‌ها امکان رشد خواهد داشت و در غیر این صورت، یعنی با همسان‌سازی یا هماهنگ نمودن آن‌ها با یکدیگر، خلاقیت قربانی خواسته‌های بزرگ‌ترها می‌شود.

کودکان در قبال بزرگ‌ترها حکم آب و آینه را دارند، اگر بزرگ‌ترها خلاقانه عمل کنند، کودکان نیز از این رفتار و اعمال تبعیت می‌کنند و عملکردی توأم با خلاقیت و آفرینندگی خواهند داشت.

تحقیقات تورنس نشان داده است که در سه



سالگی، خلاقیت کودکان افزایش می‌یابد و در چهار تا چهار و نیم سالگی به اوج می‌رسد، اما با ورود به مدرسه کاهش می‌یابد.

سؤال اساسی: چرا بچه‌ها درست در زمانی که باید از بعد خلاقیت به اوج برسند، افت می‌کنند؟ مهم‌ترین و مؤثرترین دوره زندگی هر فردی دوره کودکی اوست و به صراحت می‌توان گفت که فرد در بزرگسالی هر آنچه به دست می‌آورد، یعنی نوع نگرش، تفکر و مهارت‌هایی که به آن‌ها دست می‌یابد و به‌طور کلی شخصیت او، از دوران کودکی نشئت گرفته است و با توجه به اینکه بیشترین زمان را در خانه و با خانواده به سر می‌برد، بیشترین اثر را از خانواده می‌پذیرد. بنابراین، نقش پررنگ خانواده در چند سال اول زندگی بسیار مشهود است.

شیوه و سبک تربیتی خانواده، نوع روابط و برخورد با مسائل دوروبر و به عبارتی شرایط حاکم بر محیط پیرامون کودک، نوع تفکر از جمله تفکر خلاق و یا سرکوب آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تفاوت‌ها را می‌توان در عملکردهای کودکان با توجه به سبک‌های تربیتی خانواده‌ها (استبدادی، دموکراسی یا متعادل) مشاهده کرد. مناسب‌ترین و مستعدترین نوع خانواده در این زمینه نیز خانواده متعادل است.

### معمولاً زمانی شاهد خلاقیت کودکان هستیم که خانواده

- فرصت سؤال کردن را به کودک می‌دهد؛
- زمینه کنجکاوی و کشف محیط را برای کودک فراهم می‌کند؛
- به کودک به‌عنوان یک فرد احترام می‌گذارد؛
- از نظر عاطفی حد تعادل را رعایت می‌کند؛
- محیطی شاد و همراه با بازی و نشاط برای کودک فراهم می‌کند؛
- به استقلال کودکان توجه می‌کند؛
- بر تقویت اعتمادبه‌نفس کودک (تعادل در اعتمادبه‌نفس) تأکید دارد؛
- دستاوردهای کودک را با آغوش باز می‌پذیرد؛
- به هنگام شکست، کودک را هدایت می‌کند (نه سرزنش و دعوا).

### اندکی تأمل در پرسش‌های زیر ...!

آیا تا به حال فرصت تلاش برای حل مسائل ساده را به فرزندتان داده‌اید؟

آیا برای یافتن راه و شیوه جدید جست‌وجوی اشیا به کودکان فرصت داده‌اید؟

آیا برای بیان احساسات و به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی به کودکان یاری رسانده‌اید؟

آیا کودکان را با سایر کودکان مقایسه کرده‌اید؟

آیا کودکان را به رقابت با سایر کودکان وادار نموده‌اید؟

آیا بر اینکه کودکان هر کاری را به شیوه درست انجام دهد، اصرار نموده‌اید؟

آیا تأکید شما بر این است که کودکان واقع‌گرای باشد؟ میزان خلاقیت کودک بازخوردی از چگونگی تفکر و به تبع آن، عملکرد بزرگ‌ترها (مربیان یا والدین) در تقابل با کودک است و پاسخی برای پرسش‌های فوق ...! و نیز دلیلی برای افت یا اوج خلاقیت!

به‌طور کلی، ایجاد زمینه‌هایی برای انجام دادن کارها با شیوه‌های متفاوت و متنوع و به عبارتی، طی کردن مسیرهای مختلف در صورت امکان، در پرورش خلاقیت بسیار مؤثر است.

### بهترین زمان برای کشف میزان خلاقیت کودکان و پرورش آن، تماشای آنان هنگام بازی است.

کودک از طریق بازی کردن چیزهای زیادی یاد می‌گیرد و خلاقیت او در این حین به بالاترین سطح خود می‌رسد.

معمولاً کودک خلاق برای یک وسیله بازی، موارد استفاده مختلفی پیدا می‌کند؛ قبل از اینکه به سراغ وسیله‌ای دیگر برود. کودک خلاق با توجه به شرایط و موقعیت، بازی را تغییر می‌دهد. بازی‌های جدید ابداع می‌کند، قانون‌های جدید وضع می‌کند، اغلب رهبری و هدایت بازی را بر عهده می‌گیرد و کمتر تابع است و هنگام بازی لذت بیشتری می‌برد. لازم است بدانیم که کودکان خلاق کنجکاوند و سؤالات عجیب و غریب می‌کنند، دقت و توجه خوبی دارند، با آب و تاب حرف می‌زنند، معمولاً هوش بالاتر از حد متوسط و حافظه خوبی دارند، از نظر اجتماعی رفتار مطلوب و از نظر فکری استقلال دارند، با پشتکارند، معمولاً انتقادپذیرند و در گفتارشان جسارت دارند.

### و اما خلاقیت زمانی از بین می‌رود که خانواده‌ها و اطرافیان

- بر هوش و حافظه تأکید بیش از حد داشته باشند؛ مثلاً پرسش و پاسخ از دروس و خواستن جواب عین متن کتاب؛
- بین بچه‌ها ایجاد رقابت صرف کنند، نه رقابت صحیح و دوستانه که موجب رشد دانش‌آموز می‌شود؛
- بر جنسیت تأکید افراطی داشته باشند؛ برای مثال، «چون

خلاقیت در همگان نهاده شده اما نیازمند پرورش است تا به شکوفایی برسد. به گفته اندرسون، در کودکان خلاقیت همگانی است

انعطاف‌پذیری، کم‌رویی، عدم تمرکز، ترس از تمسخر، مسئولیت‌ناپذیری و تعهد، تمایل به هم‌رنگی، نداشتن پشتکار لازم، تأکید بر تجارب گذشته و...

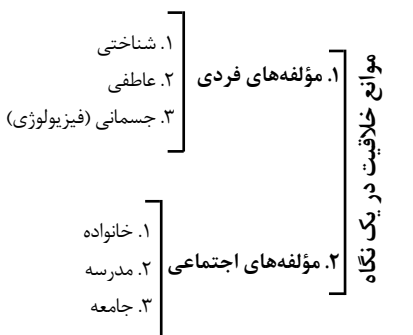
**۲. موانع اجتماعی:** از جمله خانواده، مدرسه و جامعه.

۱. خانواده از عوامل مهمی است که می‌تواند در رشد و پرورش تفکر خلاق نقش مثبت یا منفی داشته باشد.

۲. مدرسه، مقررات خشک حاکم بر مدرسه، روش‌های سنتی، مربیان غیرخلاق، و نمره‌محوری، انعطاف نداشتن در فعالیت‌های آموزشی و ...

**۳. گروه‌های اجتماعی:** جامعه نیز به نوبه

خود زمینه بروز خلاقیت یا مانع آن می‌شود؛ از جمله موانع، خرافات رایج در جامعه است که گاه بسیار خطرناک‌اند؛ مسائلی چون جبر، سرنوشت و شانس. فرد با اعتقاد به این مسائل، برای نیل به خودشکوفایی تلاش نخواهد کرد. نگارنده معتقد است که موانع فردی در سه حیطه شناختی، عاطفی و فیزیولوژی (جسمانی) قرار دارند.



خانواده از عوامل مهمی است که می‌تواند در رشد و پرورش تفکر خلاق نقش مثبت یا منفی داشته باشد



شما پسر هستی نباید عروسک‌بازی کنی یا دخترها ماشین‌بازی نمی‌کنند»

- از رفتارهای کودکان به‌طور مکرر انتقاد کنند: خجالت بکش ...! از تو بعید است ...! این چه کاریه؟

- انتظار رفتارهایی بالاتر از حد سن کودکان و به عبارتی، رفتارهای بزرگانه‌تر از آنان داشته باشند؛

- تخیل کودکان را نادیده بگیرند و به تفکرات عجیب آنان بی‌توجهی کنند.

آماییل (۱۹۸۳) بر این باور است که عواملی بر کم‌رنگ شدن خلاقیت اثر می‌گذارند؛ از جمله، تأکید بر ارزیابی (خلاقیت را کم و ذهن را معطوف به چگونگی ارزیابی می‌کند).

تأکید بر پاداش (در مواقعی انگیزه درونی را کم می‌کند. به عقیده او در کارهای ساده، پاداش نقش مثبت و در کارهایی که نیاز به بصیرت دارند، مانع محسوب می‌شود) تأکید بر رقابت (استرس‌زا و نه رقابت دوستانه)، و انتخاب محدود (خلاقیت در محیط بسته رشد نمی‌کند).

اسبورن نیز معتقد است که مؤلفه‌هایی چون عادات پیشین (هرچه بیشتر رشد می‌کنیم و بزرگ‌تر می‌شویم، خلاقیت کمتر می‌شود؛ چرا که قربانی عادات می‌شویم)، هم‌رنگ جماعت شدن، و دل‌سرد شدن به خاطر عدم اعتمادبه‌نفس کافی از جمله عوامل کشنده خلاقیت است.

به‌طور کلی، موانع خلاقیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**۱. موانع فردی:** برخی عوامل فردی مانع رشد خلاقیت می‌شوند؛ از جمله موانع روانی، فیزیولوژیکی و بیولوژیکی. از میان موانع فردی، عامل روانی از بقیه مهم‌تر است و مربیان و والدین باید توجه لازم را بدان مبذول کنند و تا حد امکان آن را کاهش دهند؛ از جمله موانع روانی عبارت‌اند از: عدم اعتمادبه‌نفس، ترس از شکست، عادت، تصور منفی از خود، عدم

**منابع**

۱. السن، بودو (۱۳۵۸). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمه علی خان‌زاده. نشر شرکت سهامی چهر.
۲. اسپورن، الکس اس (۱۳۶۸). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. مترجم: حسن قاسم‌زاده. تهران: نشر نیلوفر.
۳. اسدی، نسترن (۱۳۸۹). خلاقیت در مدارس. نشر عابد.
۴. علی‌پور، بیژن و شمیسا، علی (۱۳۷۶). پرورش خلاقیت. نشر دکلمه‌گران.
۵. عزیز، ژبلا (۱۳۹۳). آنجا که خلاقیت اوج می‌گیرد! نشریه زمزمه، شماره ۱۲۹.
۶. ویزبر گریال، رابرت (۱۳۷۸). خلاقیت فراسوی اسطوره نیوگ. مترجم: مهدی والفی. نشر روزبه.